

حقایق دیگری از جنایات

مدعی در راه سرکوبی خلق هاستفاده می کند.

روز چهارشنبه ۳۱ مرداد ۵۸ ساعت ۳/۵ بعد از ظهر نیروهای دولتی به پل سقر (۵ کیلومتری شهر) رسیدند. عده ای از مردم شهر از زن و مرد و بچه‌رو پل به حالت اعتراض به ورود پاسداران و ارتش نشستند. فانتوم‌ها و هلی‌کوپترها بر فراز شهر ظاهر شده و به روی اجتماع مردم روی پل تیراندازی کردند.

هفت نفر از جوانان شهر راه را بر خودروهای ارتش بستند. آنها از کونکول بولوت برای مقابله با ارتش استفاده می کردند. یک جوان پانزده ساله همان روز توانست بولوت یک تریلر به دست آورد. عده ای از مبارزین با تیراندازی از سنگرهای خود حرکتی را در ارتش را از کار انداختند و همان جوانان که راه را بسته بودند، توانستند در شرفین جریختل و دیگر خودروها را حلقه سلاح و اسلحه را دستگیر کنند.

نیروهای دولتی وقتی متوجه شدند که گذشتن از پل کار آسانی نیست به وسیله مزدوران مفتی زاد که به منطقه آشنایی داشتند از برادران قصد حمله به شهر را کردند. در همین اوضاع ارتش در پادگان شهر نیرو پیاده می گردوان کار بیشتر به این علت بود که عده ای از افراد پادگان سقر که طی سالها با مردم آشنا شده بودند حاضر به اطاعت کورگروانه و حمله و تیراندازی نبودند.

تیراندازی به وسیله هلی‌کوپتر به مردم ادامه داشت که در نتیجه آن ۱۷ نفر کشته و ۳۵ نفر زخمی شدند. یک زن در داخل پنجره خانه خود هدف گلوله قرار گرفت. عده زیادی از پاسداران نیز کشته شده و یک هلی‌کوپتر نیز سرنگون گردید.

غروب همان روز (چهارشنبه ۳۱ مرداد) پاسداران مجبور به عقب‌نشینی تا ۲ کیلومتری شدند و محلات اطراف پل که متعلق به ارتش است از سکنه خالی شد. در همین روز ساعت ۶ بعد از ظهر فرمانده پادگان، سرهنگ فرنازه‌ای، همراه با امام جمعه شهر (ملا عبدالله) برای مذاکره با پاسداران و اعلام آتش‌بس با پرچم سفید به طرف آنها رفت. اما هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد. رادیو دولتی اعلام کرد که فرمانده توسط صدامت‌الهیون شهبند کشته است.

روز پنجشنبه ۱ شهریور ۵۸ نیروهای مترقی همراه مردم به مقابل سقره برخاستند. چون دیگر جنگ اعتصاب ناپذیر بود. در این روز تیراندازی همچنان ادامه داشت و دوباره ارتش به چندین کیلومتری شهر رسید. غروب روز پنجشنبه جنگ به اوج خود رسید. خلق و نیروهای مردم سقر بی‌طرف چشکیری داشتند. همان شب اطراف پادگان محاصره شد و به تسخیر پادگان چیزی نمانده بود. یلندگوهی شهر اعلام می کرد که پادگان هر چه زودتر باید تسلیم شود. اما بعد از علم شد که آسودی در پادگان سقره است و با بی سیم و هم را گزارش داد است. حدازه ۱ دقیقه پرواز تا سقره را بر فراز شهر شروع شد. بارها دیوار موسی را شکستند و با بی سیم و هم را گزارش داد است. حدازه ۱ دقیقه پرواز تا سقره را بر فراز شهر شروع شد. بارها دیوار موسی را شکستند و با بی سیم و هم را گزارش داد است.

مردم که به دفعات وحشیگری های ارتش و پاسداران را دیده بودند و خیریت خانه‌ها و مراکز را توسط حمله‌ها تخریب کرده بودند، وحشت زده از امکان دیدن ران‌شهر برای احتیاط ارتش در تهران و مردان و بچه‌ها عقب نشینند. بمباران سقره محاصره اعمادای شهر، سقره، یح بود. در پی حمله هلی‌کوپترها شهر شروع به فرار از اهالی بی دفاع. کشته و مجروح شدند. یک دختر هفت ساله از دراز بر فراز فانتوم‌ها و هلی‌کوپترها از آن فوب کرد. در کورودار این حمله یک هلی‌کوپتر کبری در شهر پریسپاسد کرد و سپس سقره را پس حلق ... کرد و خنایان شهر راه گلوله بست. رگرو در جنگ عده ای از پاسداران که در حال فرار بودند. در حالی که نوازنده‌ها از آنجا می دادند، می گفتند.

مبارزه روز پنجشنبه اینجاست فرستادند و ما گفتند که کردها کاب و صدامت‌الهی است. زوالی که محصور است و ما می خواهیم مسلم شوم.

بازگشائی دانشگاه‌ها و مدارس و ...

بقیاض صفحه ۱

در این میان نیروهای هوادار سازمان که در برابر جریانهای غرده بورژوازی و جریانهای ارتجاعی قرار دارند و وظایف بسیار سنگینی را بر دوش می کشند. هر نوع تحلیل نادرست از موقعیت‌های موجود و ارزیابی سیاست و سمت گیری و توان نیروهای موجود، هر نوع برداشت غیرواقعی از سطح مبارزه و آگاهی نیروها و ضربات سنگین با حتی جبران ناپذیری بر ما وارد خواهد آورد (برای هر عنصر آگاه مسلم است که مبارزه نیروها در دانشگاه‌ها و مدارس باید در پیوندی عمیق با سطح آگاهی و مبارزه توده‌ها قرار گیرد، هر نوع جدائی میان مبارزه در دانشگاه و مبارزه توده‌ها تلاشی است که مضمون آن جدائی روشنفکران انقلابی از توده‌های ملمیونی خلق است) از میان همین تحلیل‌هاست که شعارها، اشکال مبارزاتی و اشکال سازمانی درست برای پیشبرد جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی و مبارزه معلمین و استادان به دست می آید.

قیام بهمن ماه و پیروزی مردم بزرگ دیکتاتوری شاه تغییراتی اساسی در شرایط مبارزه فراهم آورده است. ترکیب نیروها و رابطه آنها با یکدیگر اساساً متحول شده است. اشکال سرکوب ارتجاع همچون شهابی با شیوه‌های سرکوب گذشته ندارد. سطح آگاهی و تشکل توده‌های دانش‌آموز و دانشجویان و صف بندی آنها با گذشته قابل قیاس نیست. ارتجاع حاکم آشکارا از گشایش مجدد دانشگاه‌ها و مدارس و راه‌های بازگشائی آنها، نیروهای چپ کسمبر محیط‌های روشنفکری توان و قدرت مادی قابل ملاحظه‌ای دارند، دانشگاه‌ها و مدارس را از نو به سنگر مبارزه علیه ارتجاع بدل سازند. مرتجع ترین و لادانترین نیروی سازمان یافته فاشیستی یعنی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی که تمام حیات خود را بی هیچ برده پوئی به مبارزه با سازمانهای مترقی و انقلابی می گذرانیده است تحت پوشش ضرورت پیشبرد جهاد سازندگی درخواست شش ماهه تعطیل برای دانشگاه‌ها و مدارس عالی و اگر در حوزب حاکم نیز تصور می کند گشایش موجب اشاعه "فاسد افکار" در میان جوانان خواهد شد. حتی آنها پنهان نمی کنند که از گشایش دانشگاه‌ها و راه‌ها دارند. آنها کسانی هستند که ترجیح می دهند به جای دانشگاه‌ها کوی طلاب را در هر کجایار به بندازند.

از حوالی فروردین تا همین اواخر اکثریت مطلق دانشجویان مذهبی تحت تاثیر پیروزی های قیام و نقش رهبری روحانیت در آن به رهبری همین جریانها گردن نهاده‌اند و آن را با استواری ایده آل‌ها و آرگانهای خود یافته‌اند. این جریان موجب شد طی تمام ماههای بهار و اوایل تابستان بیشترین فشار روی نیروهای مترقی و پیش از همه روی نیروهای طرفدار مجاهدین خلق وارد آید. در این دوران این نیروها از وحدت و انسجام و روحیه تضرعی نسبتاً بالایی برخوردار بودند و هر نوع مخالفت با حزب حاکم و بطور کلی حاکمیت راکتاریستی و ضدیت با انقلاب می پنداشتند. اما به تدریج رسد اغریایک جریان عکس در وجهت، یکی در جهت آسیب دیدن وحدت و انسجام آنها و دیگری در جهت جدانشدن نیروهای روشنفکری مذهبی از جناحهای ارتجاعی و پیوستن مجدد آنان به نیروهای مترقی آشناساز شده باشد. نیروهای مترقی مذهبی که از اوایل قیام تا اوایل تابستان به سرعت منفرد می شدند و نیروها از دست می دادند اخیراً مجدداً بطور مشخص و محسوس رو به رشد سریع نهاده‌اند.

بعناقد ما این پرسه پایه پای روشن شدن ماهیت جناح حاکم و سمت گیری‌های به غایت ارتجاعی آن در آینده بازم تشدید خواهد شد و نیروهای واقفانتر قیام مذهبی مقداری زیادی از نیروهای راکه از دست داده بودند دوباره کسب خواهند کرد.

حقایق نشان می دهند که در بین نیروهای ضد مارکسیست مذهبی نیز شکافی آشکار پدید آمده است. یک جناح که با سرکوب فاشیستی مارکسیست ها و نیروهای انقلابی مخالف است، طرفدار آزادی عقیده، مناظره و میانه و ادامه تصفیه عناصر وابسته به رژیم شاهه در سنگرهای دولتی و نظامی است و عدم پایبندی به این اصول و این سیاستها را فراهم کردن بهترین زمینه‌های رشد برای نیروهای هوادار مارکسیسم می انگارد و از این نظر خیانت به "انقلاب اسلامی" می شمارد و جناح دیگر که هوادار سرکوب فاشیستی به تمام وسایل و طرق ممکن است و هر نوع کوتاهی در این زمینه را خیانت به "رهبری" و تسلیم شدن به کمونیسمی‌ها می‌داند. این جناح وظیفه عمده خود را چاق قبل از آرمیای وجه بعد از آن مبارزه با کمونیستها و در و اس آنان سازان چریکهای فدائی خلق ایران دانسته و تمام مخالفتین اینین ایدئولوژی متنوان "متناقض" زیر محلات خود قرار داده است. چنانچه سیاست هوشیاران و درستی در برابر این جناح پیش گرفته شود میباید نظریه رسد در سال آتی بنده بدون اشکاء بر افلاکهای غیر داندشنجو چاقوشک ها و چاق دارهای طرفدار آنها بتوانند هردانشگاه کاری از پیش ببرند.

در شماره آینده، در ادامه این بحث، صف بندی نیروهای مدافع اهداف و آرمان طبقه کارگر را در دانشگاه‌ها و مدارس ایران و وظیفه سنگینی را که متراپسین شرایط به عهده دارند مورد بررسی قرار خواهیم داد.

و خود را تسلیم ساررس خلق کرد کرد.

ظهور کلی روز جمعه یک لحظه هم نبراداری قطع شد و البته عسروید و هلی‌کوپتر دیگر هم سرنگون شد (۳ شهریور ۵۸) در ساعت ۸/۵ بعد از ظهر ارتش با توپ و تانک وارد شهر شد و اولین گارش به توپشش پس از سقر بود و در وقت رسیدن به پادگان تانکها و هلی‌کوپترها تیراندازی می کردند و شهر گلوله باران شد. در این حمله حتی آرزاک و بیس های ارتش را نیز استفاده کردند. ترتیب عده بسیاری از مردم در داخل خانه های خودشان به قتل رسیدند. مردم شهر و پیش مرگان مسلح گردیدند. بافتن نیروهای دولتی در حالت جنگ و گریز به مقابله با نیروهای دولتی پرداخته و با استفاده از توپ‌های عظیم گرفته شده تانکها را به بوپ سستند و در نتیجه دوتا ک تانپو د گردید. این سرد تا ساعت ۶ صبح روز شنبه ۳ شهریور ۵۸ ادامه داشت.

صبح روز شنبه ۳ شهریور ۵۸ کس از منزل خارج شدند. نمایندگان به مردم ریختند و برای اینکه عکس العمل مردم را میسند با بلندگو غاصای آب می کردند اما کسی در برابر رویشان با یکرد. در عرض آسپا با بی سیم به پادگان اطلاع دادند که در شهر به حوسی از ما استقبال می کنند. در همان روز جمعه ۳ سنگیری آفراد و ناری، مارک شروع شد و روزی ۲۲

در قارنایا «دیپاسین» ایران ...

بقیاض صفحه ۱

اتفاق افتاد که تمام مردان این روستا از قبل خارج شده بودند و تنها افرادی که قادر به حرکت نبودند در روستا باقی‌مانده بودند. مومل این جنایت بیشتر از افراد "قره باخ" بودند که یک هفته قبل از آن وسیله ملاحظاتی جنایتکار سلطه شده بودند و این عمل را به تلافی اعدام یک پاسدار نده‌ای وسیله دیکتاتور در دست انجام دادند. در نتیجه این جنایت در روستای "قارنا" ۵۲ نفر زن و کودک شهید شدند که فقط سه نفرشان به وسیله گلوله از پای درآمدند و بقیه با سر بریده شدند یا با کار دارهای درآمدند.

نه رادیو تلویزیون انحصاری روستاها هم برمی آید هیچکدام این خبرنگاران دهنده را نمیکن نگردنند. روزنامه انقلاب اسلامی هم که در شماره چهارشنبه ۲۱ شهریور در مقاله خود تحت عنوان "در سقر قارنا" به این جنایت اشاره ای دارد، تلاشی کرده است تا بخشی، قضیه را مستالی کند. این روزنامه می نویسد:

در میان نابوری و بهت خبر شدیم که به دهی گردن نشین حمله و عده بسیاری را قتل مام کرده‌اند. اما این روزنامه خیلی مودبانه از حرفی ماملین این جنایت ظفره رفتی است و در کمال بی شرمی از جنایت فقط به این دلیل ایراد تاسف می کند که

واضح تر بگوئیم از دید روزنامه انقلاب اسلامی چنین استنباط می شود که اگر این جنایت می توانست سودی داشته باشد یا مورد توجه دشمن قرار نگرفت، امری نبود و تا بد خوب هم می بود و جایزه ای هم برای آنها که به این جنایت دست زده‌اند قائل می شد. آنها نیز که سوگند یاد می کنند به منظور رضای خداوند و اجرای عدالت ارتش و نیروهای پاسدار را برای سرکوب خلق کربسج کرده‌اند. حال که نتایج این فجایع را دیده‌اند فقط به این اکتفا می کنند که بگویند "مطالعاً اقدام می‌کنیم و امیدوار هستیم که جبران" این جنایات شود.

مردم زحمتکش مامی پرسند ...

بقیاض صفحه ۱

داشت بچه‌های زحمتکشان به دانشگاه راه یابند؟

دولت که روزانه ۴ میلیون بخره نفت می فروشد، به چه دلیل می خواهد فشار را بر مردم زحمتکش افزایش دهد؟ گرانی بیش از حد، بیکاری، درآمد کم و اجاره خانه کافی نیست، اما دولت شهریه گران مدارس راه ارائه کرده است. آیا خون همین دانش‌آموزان زحمتکش نبود که برکتش را برای همه ریخت؟ آیا شهریه مدارس چنانچه فرزندان ما برای شرکت در انقلاب نیست؟ مامی گوئیم:

آموزش رایگان حداقل بسیار اش فداکاری های دانش‌آموزان است. چنانکه در الحجاز، نیکاراگوئه، ویتنام و سایر کشورهایی که علیه ظلم و استعمار انقلاب کرده‌اند، آموزش رایگان جزو اولیسن اقدامات دولت موقت انقلابی بود است. ما برای فرزندانمان شهریه نخواهیم پرداخت و شهریه‌ها برداخت شده است. رئیس ما هم گرفت. ماحتی اگر مجبور شویم برای پس گرفتن شهریه در ناحیه - های آموزش و پرورش بستی می نشینیم.

شهریه مدارس لفا باید گردد آموزش رایگان ایجاد باید گردد هزینه تحصیلی، بکسرای زحمتکشان، پرداخت باید گردد سلطان زحمتکش تهران

بقیاض صفحه ۱

اعتراض معلمان پیشگام تهران ...

مختلف اداری و آموزشی وزارت آموزش پرورش هستیم. سواکی‌هایی که در لیاس کارمندان اداره حفاظت با در هر مقام دیگری به مردم ستندیده ما فرهنگ سنگ اصل آنها خیانت کردند، امروز نباید با دفلکاری و خیانت پیشگی به اعمال ننگین خود در میان ما ادامه دهند. های اینگونه افراد در اردوگاههای تادیبی کار است نه در میان دانش‌آموزان و آموزگاران فداکار.

۲- هر نوع تصفیه افراد در مدارس و ادارات آموزش و پرورش باید با نظر خود سلطان یعنی شورای کارکنان هر مدرسه و اداره با افشای سوابق آنها همراه باشد. ۳- تفتیش مقابله با خیال کردن آزادی بیان و قلم به ویژه در محیط‌های آموزشی را محکوم می‌کنیم و آزادی اندیشه را سد محکمی در برابر نقشه‌های ضد مردمی ارتجاع و امپریالیسم می‌دانیم.

تنگ و رسوائی بر مرتجعین و نقشه‌های ضد مردمی شکان مرگ بر امپریالیسم و توگرا نشی شکان باد مبارزه آزادیخواهان خلق

درا هتزاز باد پرچم خونین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بقیاض صفحه ۱

در این میان نیروهای هوادار سازمان که در برابر جریانهای غرده بورژوازی و جریانهای ارتجاعی قرار دارند و وظایف بسیار سنگینی را بر دوش می کشند. هر نوع تحلیل نادرست از موقعیت‌های موجود و ارزیابی سیاست و سمت گیری و توان نیروهای موجود، هر نوع برداشت غیرواقعی از سطح مبارزه و آگاهی نیروها و ضربات سنگین با حتی جبران ناپذیری بر ما وارد خواهد آورد (برای هر عنصر آگاه مسلم است که مبارزه نیروها در دانشگاه‌ها و مدارس باید در پیوندی عمیق با سطح آگاهی و مبارزه توده‌ها قرار گیرد، هر نوع جدائی میان مبارزه در دانشگاه و مبارزه توده‌ها تلاشی است که مضمون آن جدائی روشنفکران انقلابی از توده‌های ملمیونی خلق است) از میان همین تحلیل‌هاست که شعارها، اشکال مبارزاتی و اشکال سازمانی درست برای پیشبرد جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی و مبارزه معلمین و استادان به دست می آید.

بقیاض صفحه ۱

در این میان نیروهای هوادار سازمان که در برابر جریانهای غرده بورژوازی و جریانهای ارتجاعی قرار دارند و وظایف بسیار سنگینی را بر دوش می کشند. هر نوع تحلیل نادرست از موقعیت‌های موجود و ارزیابی سیاست و سمت گیری و توان نیروهای موجود، هر نوع برداشت غیرواقعی از سطح مبارزه و آگاهی نیروها و ضربات سنگین با حتی جبران ناپذیری بر ما وارد خواهد آورد (برای هر عنصر آگاه مسلم است که مبارزه نیروها در دانشگاه‌ها و مدارس باید در پیوندی عمیق با سطح آگاهی و مبارزه توده‌ها قرار گیرد، هر نوع جدائی میان مبارزه در دانشگاه و مبارزه توده‌ها تلاشی است که مضمون آن جدائی روشنفکران انقلابی از توده‌های ملمیونی خلق است) از میان همین تحلیل‌هاست که شعارها، اشکال مبارزاتی و اشکال سازمانی درست برای پیشبرد جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی و مبارزه معلمین و استادان به دست می آید.

بقیاض صفحه ۱

در این میان نیروهای هوادار سازمان که در برابر جریانهای غرده بورژوازی و جریانهای ارتجاعی قرار دارند و وظایف بسیار سنگینی را بر دوش می کشند. هر نوع تحلیل نادرست از موقعیت‌های موجود و ارزیابی سیاست و سمت گیری و توان نیروهای موجود، هر نوع برداشت غیرواقعی از سطح مبارزه و آگاهی نیروها و ضربات سنگین با حتی جبران ناپذیری بر ما وارد خواهد آورد (برای هر عنصر آگاه مسلم است که مبارزه نیروها در دانشگاه‌ها و مدارس باید در پیوندی عمیق با سطح آگاهی و مبارزه توده‌ها قرار گیرد، هر نوع جدائی میان مبارزه در دانشگاه و مبارزه توده‌ها تلاشی است که مضمون آن جدائی روشنفکران انقلابی از توده‌های ملمیونی خلق است) از میان همین تحلیل‌هاست که شعارها، اشکال مبارزاتی و اشکال سازمانی درست برای پیشبرد جنبش دانشجویی و دانش‌آموزی و مبارزه معلمین و استادان به دست می آید.



دو طرز تفکر

• طرز تفکر خرد بورژوازی
این طرز تفکر به خاطر تاکید بر نخبگان و شناختن ظرفیت برای توده ها جانی هم برای آگاهی آنها قائل نیست.

• طرز تفکر کارگری
این طرز تفکر بر منافع طبقاتی تاکید می‌وزد و اختلافات عقیدتی (مثلا مذهبی و غیر مذهبی) را عمده نمی‌کند.

از منظر قابل و بخصوص پس از قیام خونین بهمن ماه در سطح جامعه مبارزه بی شدیدی بین دو طرز تفکر شکل گرفت و هر روز که می‌گذرد این مبارزه حاد تر می‌شود. این مبارزه در کلیه تشکیلات توده ایی منجمله شوراهای نیز درگیر شد. خصوصیات این دو طرز تفکر که ناشی از ساخت طبقاتی جامعه نیز بود، به قرار زیر است:

۱- طرز تفکر خرد بورژوازی
این طرز تفکر ریشه در فرهنگ چندین صدساله جامعه دارد. میراث جامعه فئودالی است و چون از طرفی باست ها و آداب و رسوم توده ها آمیخته است و از طرف دیگر در گذشته با فرهنگ مهاجم و مترقی بورژوازی نیز آمیخته شده است، عمیقاً ریشه دار است و طرز تفکر حاکم و مسلط جامعه است. انقلاب اخیر این طرز تفکر را احیا کرده است و به آن امکان تهاجمی داده است که شدیداً مورد استفاده خرد بورژوازی مرفه و دیگر طبقات حاکم قرار گرفت.

این طرز تفکر که برای توده های مردم ظرفیتی قائل نیست و به همین دلیل در تصمیم گیری ها جانی برای آنها نمی‌شناسد، تمام توجه و تاکیدش را بر نخبگان می‌گذارد. آنهاست که حق تصمیم گیری در تمام امورات را دارند. آنهاست که حق صدور فرامین و دستورات را دارند و توده ها باید که حرف شنو، بیرو عیارت بهتر متفکرند تا کامل هائی باشند که بی چون و چرا و برده وار با اجرای فرامین و دستورات حاضر در دست طرز تفکر در لحظه حاضر بیرونی از طرف این دستورات دولت و رهبران است و این که در هر چه گونه اعتراض و اعتراضات و تمسح حتی با وجود شدیدترین استنارها دست ما حق نیستند.

این طرز تفکر مرتباً شکستها و ناتوانی هایش را به عوامل خارجی و غیر خودی نسبت می‌دهد (همچنانکه در اصل نظرش هم ماوراء طبیعت تعیین کننده سیر واقیع است و نه خود طبیعت و قوانین حاکم بر آن و مدام آنها را مورد حمله قرار می‌دهد). و راه مقابله با آن را در "صبر انقلابی" و عدم تحریک بورژوازی می‌داند. در تصمیم گیری و در تصمیم دلی در خدمت سرمایه داران و کارفرمایان و وابسته قرار داد و عملاً در جهت منافع آنان گام برمی‌دارد. دعوت به "صبر انقلابی"، دعوت به آرامش و سازش و عدم تهاجم به استعمار کنندگان خواست همه سرمایه داران بوده و هست و این موضوع مطلب تازه بی نیست کافی است به فرهنگ و سیاست سالها روپای مراجعه شود تا انواع و اقسام و اشکال متنوع این شیوه مبارزه با خواست توده ها روشن شود.

این طرز تفکر بدون توجه به جهت و هدف با جدا ساختن، شمارا بندی در کارخانجات می‌دهد و از آنجا که سرمایه داران تولیدی ما خارجی است و منافع آن به جیب سرمایه داران خارجی می‌رود، عملاً مبلغ تلاش کارگران برای برگردن جیب سرمایه داران جهانگشوار است. البته ممکن است این طرز تفکر "خبر خواهانه" مبلغ سازندگی باشد اما به هر حال در خدمت جهان خواران است و تا همین کنده منافع آنها می‌باشد.

این طرز تفکر به خاطر تاکید بر نخبگان و شناختن ظرفیت برای توده ها جانی هم برای آگاهی آنها قائل نیست و نیروهای را که در جهت آگاه کردن توده ها می‌کوشند، ساد بلوچی دانند و تسلط آنها را بی فایده می‌شمارند. اما چون عملاً شاهد اثرات آگاه سازی توده ها توسط طرز تفکر دیگر است و همواره با آن رها شدن توده ها را از قید طرز تفکر خود می‌بینند، به هر اس می‌افتد و باز به مبارزه می‌پردازد و از تمام روشهای ممکن برای جلوگیری از این آگاه سازی استفاده می‌کند. عوامل موثر در این آگاه سازی شنا سانی می‌کند، با آنها درگیری می‌شود، آنها را مورد تهاجم قرار می‌دهد و حتی به نام مردان ترین روشها نیز متوسل می‌شود. بدین معنی که آنها را لیسو می‌دهد و در جهت اخراج آنها می‌کوشد. این طرز تفکر به همه شیوه ها برای

دستمزد

(در اقتصاد سرمایه داری)

مادرشمارهای گذشته نثر به اقدام به مدرج سلسله مقالاتی به منظور آشنائی هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان به اقتصاد سیاسی سرمایه داری نمودیم. در کوششهای مذکور این هدف را داشتیم که کارگران میهنان را به علل فقرو استعمار و زندگی فلاکت بارشان از دیدگاه علمی آشنا نموده و نشان دهیم که کارگران واقعا چر ا و چگونه به بردگی سرمایه داران درسی آیند.

در ادامه این تلاشها اکنون بر آنیم که در انطباق بیشتر قوانین عام سرمایه داری با حقایق و ضمیمت و زندگی کنونی طبقه کارگر ایران به این مقالات بعد سندانزه ای بهخشم، به این امید که کارگران و زحمتکشان ایران، قوانین تمام جوامع سرمایه داری و از جمله سرمایه داری وابسته ایران را در رابطه با زندگی روزمره خویش هر چه عمیقتر و سرعتر درک نموده و دریابند که تنها با مبارزه در راه استقرار یک نظام سوسیالیستی است که کارگران می‌توانند شرایطی را فراهم آورند که بطور نهائی و برای همیشه به بندگی و درد و رنج آنان خاتمه می‌دهد. این راهی است بر هیچ و خم و مایمان داریم که کارگران از آن هراسی به دل راه نخواهند داد.

هیچگاه این گفته هوشی مین که رفیق کارگران شهید اسکندر صادقی نژاد پیوسته آن را تکرار می‌کرد فراموش نخواهیم کرد:

"مان سرمایه داری و سوسیالیسم دره ای است عمیق که با خاکستر کمونیستها بر می‌شود، ما از روی کنیم که خاکستر این دره باشیم."

اینک مادر چند شماره از نثر به ضمن توضیح مقوله دستمزد در اقتصاد سرمایه داری به افشا، سیاست های دولت در زمینه افزایش حداقل دستمزد پرداخته و به این سؤال اساسی پاسخ خواهیم داد که آیا سیاست افزایش حداقل دستمزد در خدمت بهبود وضع کارگران است، یا آنکه تنها مانوری سیاسی است که از جانب دولت به منظور جلب رضایت توده های زحمتکش انجام می‌گیرد؟

به تدریج باک آگاهی طبقاتی به این امر می‌رسد که دستمزدی که در ازای نیروی کارشان عاید می‌شود در هیچ شرایطی قادر به تأمین زندگی شایسته انسان نبوده و تنها رنج زندگی بخور و نمیری را بر آنان تحمیل خواهد نمود و حاصل کارشان تنها زندگی انسانی و پر زرق و برق سرمایه داران را تأمین می‌کند مادر گذشته سز نشان دادیم که چگونه کارفرمایان همواره کارگران را بیشتر آنچه که برای تجدید نیروی بازوان آنها لازم است به کار می‌دارند. عملکرد همین قانون اساسی است که جوامع سرمایه داری را به دو طبقه اساسی، به دو دشمن، به دو اردوگاه کاملاً متضاد تقسیم می‌کند. در یکسو یعنی سرمایه دار بدون آنکه نقشی در پروسه تولید داشته باشند، به زندگی پر عیش و عشرت در کاخ ها و ویلاهای متعدد مشغولند و در سوی دیگر زندگی کاملاً متفاوتی جریان دارد. ارتش

- اگر کارفرمایان حقیقتاً ارزش کار کارگران را می‌پرداختند
- دیگر سودی به چنگ نمی‌آمد
- و در آن صورت سرمایه داری نیز وجود نمی‌داشت.

عظیم بیکاران، اردوی بزرگ کارگران قرار دارد که به زور قادر به تأمین حداقل معیشت بوده و همواره اسیر جنگسال بانک ها به خاطر قرض و بدهی و اسیر مشکلات ناشی از پرداخت اجاره مسکن، گرانی و غیره می‌باشد. پس به این ترتیب ملاحظه می‌شود که سرمایه داران به هیچ وجه در پی پرداخت ارزش کار کارگران نبوده بلکه آنها می‌کوشند که تاجای ممکن نیروی کار را مثل هر کالای دیگر هر چه ارزاتر خریدند و سپس کارگران را هر چه بیشتر به کار واداشته و سود بیشتری برند. اگر کارفرمایان حقیقتاً ارزش کار کارگران را می‌پرداختند، دیگری سودی به چنگشان نمی‌آمد و در آن صورت سرمایه

در جوامع سرمایه داری معمولاً دستمزد کارگر به عنوان کار و به نظری رسد یعنی بورژوازی می‌کند که نشان دهنده پولی را که به عنوان دستمزد به کارگر پرداخت می‌کند. درست عادلانه کار است. کار انجام شد، توسط کارگر است و اگر در انتها سودی هم به دست می‌آورد، این سود ناشی از زبری های اودر این مبادله است. به ادعای اقتصاددانان بورژوازی دستمزد کارگران بهای محصول کار آنان است و لذت نباید صحبتی هم از استثمار و بهره کشی کارگران توسط کارفرمایان، به میان آید. اما آنها در اینجا یک حقیقت مهم را از کارگران پوشیده می‌دارند. در اینجا یک فریبکاری وحله در میان است، زیرا که آنچه در بازار توسط کارگر فروخته

• چیزی که کارگران تحت عنوان دستمزد دریافت می‌دارند ارزش نیروی کار آنان است نه ارزش کار و برابری آن دستمزد بهای محصول کار و دستمزد نشان نموده بلکه تنها بهای نیروی کار آنان است.

شود، میان نمی‌کند. استدلال فوق از این جهت نیز غلط است که به قول مارکس "ارزش یک کالا بنا بر کمیت کاری که

آنچه به عنوان دستمزد در تولید سرمایه داری مطرح می‌شود، در حقیقت همان بهای نیروی کار بوده و به عبارت روشنتر تنها بخشی از بهای محصول کار تولید کنندگان است. مثلا اگر کارگر روزانه کارگری ۸ ساعت باشد دستمزد وی ۶ تومان باشد، در حقیقت استیاری بخشی از ارزش کار خود، مثلا ارزش سه ساعت از کار خود را دریافت نموده و بقیه به جیب سرمایه دار سرازیر می‌شود.

فرصت کسب کند. کارگر کارخانه ایران ناسونال درازا کار روزانه هشت ساعت، ۶ تومان است، اگر ادعا شود که در چهار ساعت باید یک مبادله شده است، یعنی ارزش هشت ساعت کار همان ۶ تومان است. از روی آن می‌توان به این نتیجه رسید که کارگر مذکور بهای کار خویش را به شکل دستمزد دریافت کرده است. در این حالت کارگر هیچگونه اضافی را برای خریدار کار یعنی کارفرما تولید نمی‌کند و این غیر ممکن است. زیرا در برابر صورت باستانی هیچگونه گسترش و انباشتی در سرمایه کارفرما حاصل گردد. روشی است که تولید سرمایه داری بدون در نظر گرفتن سود معنای ندارد. در این میان ممکن است که

ما سرمایه داران و کسانی که از ما هم دفاع می‌کنند همین ۶ تومان را که بهای سه ساعت کار است به عنوان ارزش مجموع هشت ساعت کاری جلوسه می‌دهند و از این روش شکل دستمزد به صورت یک سرپوش هر گونه خط و مرز بین کار و پرداخت شده را محو می‌کنند. همه را از دستمزد در جوامع سرمایه داری در همین نکته نهفته است و این بار برای اولین بار توسط مارکس ابریده سیون افتاد.

در جوامع سرمایه داری کارگران در خدمت دریافت می‌دارند ارزش نیروی کار آنان است نه ارزش کار و برابری آن دستمزد بهای محصول کار و دستمزد نشان نموده بلکه تنها بهای نیروی کار آنان است. در جوامع سرمایه داری کارگران

حق تعیین سرنوشت خلق ها ضامن وحدت و یکپارچگی است

توطئه دولت

برای اخراج کارمندان آگاه و مبارز

کارمندان با اتحاد و مبارزه خود اس توطئه هاراحسی خواهند کرد.

حساستهای اخیر دولت، خطرات بزرگی را برای کارمندان دولت ایجاد کرده است. دولت با توطئه‌های خود سعی دارد تا کارمندان را از کار اخراج کند و به این ترتیب به اهداف خود دست یابد. کارمندان باید متوجه شوند که دولت با این اقدامات می‌خواهد به اهداف خود دست یابد و کارمندان را از کار اخراج کند.

دولت با توطئه‌های خود سعی دارد تا کارمندان را از کار اخراج کند و به این ترتیب به اهداف خود دست یابد. کارمندان باید متوجه شوند که دولت با این اقدامات می‌خواهد به اهداف خود دست یابد و کارمندان را از کار اخراج کند.

دولت با توطئه‌های خود سعی دارد تا کارمندان را از کار اخراج کند و به این ترتیب به اهداف خود دست یابد. کارمندان باید متوجه شوند که دولت با این اقدامات می‌خواهد به اهداف خود دست یابد و کارمندان را از کار اخراج کند.

دولت با توطئه‌های خود سعی دارد تا کارمندان را از کار اخراج کند و به این ترتیب به اهداف خود دست یابد. کارمندان باید متوجه شوند که دولت با این اقدامات می‌خواهد به اهداف خود دست یابد و کارمندان را از کار اخراج کند.

دولت با توطئه‌های خود سعی دارد تا کارمندان را از کار اخراج کند و به این ترتیب به اهداف خود دست یابد. کارمندان باید متوجه شوند که دولت با این اقدامات می‌خواهد به اهداف خود دست یابد و کارمندان را از کار اخراج کند.

دولت با توطئه‌های خود سعی دارد تا کارمندان را از کار اخراج کند و به این ترتیب به اهداف خود دست یابد. کارمندان باید متوجه شوند که دولت با این اقدامات می‌خواهد به اهداف خود دست یابد و کارمندان را از کار اخراج کند.

دولت با توطئه‌های خود سعی دارد تا کارمندان را از کار اخراج کند و به این ترتیب به اهداف خود دست یابد. کارمندان باید متوجه شوند که دولت با این اقدامات می‌خواهد به اهداف خود دست یابد و کارمندان را از کار اخراج کند.

کارگران نفت بندر عباس:

ما کارگران با یکپارچگی و اتحاد

به مبارزه ادامه می‌دهیم

کارگران شرکت نفت بندر عباس در اعلامیه‌ای که جمعی از کارکنان شرکت نفت بندر عباس در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۵۸ صادر کردند، به مشکلات و حواستهای خود اشاره کرده‌اند.

آنها در این اعلامیه که خلاصه‌ای از آن را می‌خواندیم، به مشکلات و حواستهای خود اشاره کرده‌اند و خواستار رفع این مشکلات شده‌اند.

کارگران شرکت نفت بندر عباس در اعلامیه‌ای که جمعی از کارکنان شرکت نفت بندر عباس در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۵۸ صادر کردند، به مشکلات و حواستهای خود اشاره کرده‌اند.

آنها در این اعلامیه که خلاصه‌ای از آن را می‌خواندیم، به مشکلات و حواستهای خود اشاره کرده‌اند و خواستار رفع این مشکلات شده‌اند.

کارگران شرکت نفت بندر عباس در اعلامیه‌ای که جمعی از کارکنان شرکت نفت بندر عباس در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۵۸ صادر کردند، به مشکلات و حواستهای خود اشاره کرده‌اند.

آنها در این اعلامیه که خلاصه‌ای از آن را می‌خواندیم، به مشکلات و حواستهای خود اشاره کرده‌اند و خواستار رفع این مشکلات شده‌اند.

کارگران شرکت نفت بندر عباس در اعلامیه‌ای که جمعی از کارکنان شرکت نفت بندر عباس در تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۵۸ صادر کردند، به مشکلات و حواستهای خود اشاره کرده‌اند.

کارگران یسرو:

آقای بازرگان

کارگران زورگو نیستند

حلی فرمان ایران، سوده‌های عظیم مردم، دهقانان و کارگران و دیگر محنتکشان رژیم دیکتاتوری و ضدکارگری آریا مپری را به ربه‌ها و دانه‌ها تاراج افکندند.

هم وطنان عزیز من، سروساز کارگران را در اولین مرحله پیروزی سوسیالیسم در ایران (رژیم دولتی) سرکالاهای امر و افقید.

ما کارگران را در اولین مرحله پیروزی سوسیالیسم در ایران (رژیم دولتی) سرکالاهای امر و افقید.

ما کارگران را در اولین مرحله پیروزی سوسیالیسم در ایران (رژیم دولتی) سرکالاهای امر و افقید.

ما کارگران را در اولین مرحله پیروزی سوسیالیسم در ایران (رژیم دولتی) سرکالاهای امر و افقید.

ما کارگران را در اولین مرحله پیروزی سوسیالیسم در ایران (رژیم دولتی) سرکالاهای امر و افقید.

ما کارگران را در اولین مرحله پیروزی سوسیالیسم در ایران (رژیم دولتی) سرکالاهای امر و افقید.

کارگران یسرو:

آقای بازرگان

کارگران زورگو نیستند

ما کارگران را در اولین مرحله پیروزی سوسیالیسم در ایران (رژیم دولتی) سرکالاهای امر و افقید.

ما کارگران را در اولین مرحله پیروزی سوسیالیسم در ایران (رژیم دولتی) سرکالاهای امر و افقید.

ما کارگران را در اولین مرحله پیروزی سوسیالیسم در ایران (رژیم دولتی) سرکالاهای امر و افقید.

ما کارگران را در اولین مرحله پیروزی سوسیالیسم در ایران (رژیم دولتی) سرکالاهای امر و افقید.

ما کارگران را در اولین مرحله پیروزی سوسیالیسم در ایران (رژیم دولتی) سرکالاهای امر و افقید.

ما کارگران را در اولین مرحله پیروزی سوسیالیسم در ایران (رژیم دولتی) سرکالاهای امر و افقید.

ما کارگران را در اولین مرحله پیروزی سوسیالیسم در ایران (رژیم دولتی) سرکالاهای امر و افقید.

سلب آزادی مطبوعات زمینه‌ای برای سرکوب خلاق

سلب آزادی مطبوعات زمینه‌ای برای سرکوب خلاق

سلب آزادی مطبوعات زمینه‌ای برای سرکوب خلاق. سلب آزادی مطبوعات زمینه‌ای برای سرکوب خلاق. سلب آزادی مطبوعات زمینه‌ای برای سرکوب خلاق.



پیام به کارگران و کارکنان سازمان گوشت

مدکارگری، حمله به محل جمع کارگران و سدنگاهها، اخراج کارگران مبارزان کارخانه، حمله به خلق کرد و کشتن سربازان، حمله به معاشی کسیر هستند. ما همان دارم نقشه‌هایی که برای کارکنی و سرکوب اعتصاب شما تنظیم می‌شود. هیچوقت نمی‌تواند سدی در مقابل خواننده‌های برج‌نشان باشد. در امان استوار شما خلقی به وجود آورد.

گروهی از کارگران پیشرو تهران
۱۵ شهریور ۵۸

ایرانی که زحمتکاران، راس کار باشند. به اقلیت سرمایه‌دار. تمامی زحمتکاران می‌دانند که مهر صداعلاسی زدن به کارکنانی که برای حقوق خود می‌کند. حمله و سوطه جدیدی است. سرمایه‌دارانی که زحمتکاران را محروم‌تر از انسان‌ها محروم به اعتراض و تخصص می‌کنند خود محروم و صداعلاسی هستند. زحمتکاران و کارکنان می‌دانند که اعتصاب و تحصن معاشی کسیر نیست. سرکوب کارگران و زحمتکاران، هجوم افراد مسلح به محل کار، تنظیم قوانین

نلاس مبارزای احفای حسیو و حواسه‌ها و مبارزه شما علیه رورکوشی معامات صدکارگری بود. حسن کلبه کارگران و زحمتکاران است. ما کارکنان از اعتصاب و حق طلبی - هاسان با تمام مواجستبایی می‌کنیم. ما صد نامبارزه مسترک ما کارکنان و زحمتکاران، سرمایه‌داران و معامات صدکارگری (چه دولتی و چه غیردولتی) را نابود کرده و برای دموکراسی و آزادی و سوسیالیسم تمام این سرمایه‌داران و معجوران بسا کسیم.

گزارش اعتصاب کارگران و کارکنان کشتارگاه تهران

تهدید کارکنان و راه انداختن جنگ تبلیغاتی علیه کارکنان و زحمتکاران مقدمه برای سرکوب عملی کارکنان بود. (سرکوب مبارزات کارگری). صدانقلابی شدن کارکنان مبارزان و اخراج آنها و حقه کردن ندای حق طلبانه آنها، توطئه ای است برای میدان دادن به سرمایه‌داران. و بالاخره سرکوب اعتصاب کارکنان و کارکنان کشتارگاهها مقدمه ای است برای سرکوب کارکنان دیگر کارخانه‌ها و کارکنان کشتارگاهها. امروز نوبت کارکنان کارخانه ذوب آهن صنعت نفت، امروز نوبت سرکوب کارکنان و کارکنان کشتارگاه و فردا باکمال بی شرمی نوبت خفه کردن ندای حق طلبانه دیگر کارکنان و کارکنان با پشتیبانی از خواسته‌های به حق ما (کارکنان و کارکنان کشتارگاه) که چیزی جز:

"اصافه کاری مقرر - حقوق اولاد حق مسکن... که خواسته همه کارکنان است، نیست، سدی بزرگ جلوی پیشرو سرتزده سرمایه‌داران ایجاد کنیم.."

هرچه مستحکمتر با دهمیستگی کارکنان و زحمتکاران در راه مبارزه برای احقاق حق طلبانه مبارزان مرگ بر امپریالیسم و نوکراسی داخل می‌شود.

کارکنان و کارکنان پیشرو کشتارگاه ۱۵ شهریور ۵۸

بعد از تسهیل کلانتری منطقه و پاساژان نیروهای ضربتی و سرکوبگر خود را در محل کارگاه معامات مستتر ساختند. عبور و مرور به داخل محوطه و ساختمان کشتارگاه تحت کنترل افراد مسلح قرار گرفت. در ظهر همین روز منطقه کاملاً نظامی شد. وجود دوتین از پاساژان مسلح در دو طرف در ورودی کشتارگاه و اتوبوس نظامی پارک شده در جلوی دربی شاهد به یادگان نظامی نبود.

کارکنان و دیگر کارکنان این روز را در اعتصاب به سر بردیم. روز چهارشنبه روزنامه‌های باعدا و وکشان دست به چاپ دروغ‌های بی‌شماره‌ای در مورد گروگان گیری می‌بردند. عامل سازمان گوشت توسط کارکنان زندو بدینوسیله حرفهای آقای بازگان را نشاند. نوده و به خیال خودشان ضربه ای به اعتصاب کارکنان وارد آوردند. به راستی از روزنامه دولتی کههان نیز جزا - نی توان انتظار داشت. روزنامه ای که پس از دولتی شدن مداح دهن چاکر رژیم حاکم شد و کاری جز ضربه زدن به آرمان زحمتکاران نداشته است.

هم اکنون کم کاری و نارسایی در کشتارگاه تهران همچنان ادامه دارد. کارکنان و کلیه کارکنان فاطانه و بطور بیگانه مبارزه شان را به دست آوردن کامل حقوقشان ادامه می‌دهند.

کارکنان و زحمتکاران سنی و توفیق روزنامه مساو نشریه‌ها، میدان دادن به روزنامه‌های دولتی و دستگاههای سرکوبگر مقدمه سلب آزادی‌های دیگر بود.

ما کارکنان و کارکنان کشتارگاه تهران در زمان رژیم ساسی روزی ۲ ساعت اضافه کاری داشتیم که آن اضافه کاری ساسیه تعاصای دولت جدید به دو ساعت کاهش پیدا کرد. از مرداد ماه حتی دو ساعت اضافه کاری مقرر نیز به کارکنان پرداخت نشد و عملاً از حقوق هر یک از کارکنان و کارکنان ماهانه مبلغ ۱۲۰۰ تومان کم شد. این گرس شدن حقوق باعث اضطراب کارکنی و کم پولی موجود مورد اعتراض کارکنان قرار گرفت. در روز یکشنبه ۱۱ شهریور ماه تصمیم به اقدام برای احقاق حقوقمان گرفتیم.

در این روز کارکنان و دیگر کارکنان که لغو اضافه کاری شاملشان می‌شدند به کم کاری زده و فرار بران شدند. کسه روزانه فقط به اندازه سهمیه بیمارستانها کشتار شود. ساعت ۲ بعد از ظهر نماینده کارکنان و کارکنان برای مذاکره پیش نماینده دولت می‌روند و نماینده دولت درکمال بی اعتنائی صریح از خواسته - هایمان اظهار بی اطلاعی می‌کند و بدون مقدمه در جواب خواسته‌هایمان ما را صدانقلاب و مزاحم و تحریک کننده می‌خواند. در وقت کوتاهی ما بی اعتنائی نماینده دولت که به حق خاطرات دوران رژیم صدکارگری را به خاطر می‌آورد موجب ناراحتی نمایندگان شده از آنجا خارج می‌شوند.

در عصر همین روز آقای بازگان در نظری رادیو - تلویزیونی این کارکنان را مورد تهنیت و تهنیت‌های دوران صدراتش فرار داد و بدینوسیله مقدمه سلب سرکوب اعتصاب را فراهم آورد. صبح روز

این است منطق دولت:

کارگران کشتارگاه چون حق خود را می‌خواهند ضد انقلابی هستند

بدر ماهه روزهای هفتم تا دوازدهم شهریور ماه حقوق مردمان را (با قلع اضافه کاری) اوچند روز در تراز ماههای قبل (دریافت کردیم. اجتماعی تشکیل دادیم و خواهان دریافت اضافه کاری و اجرای مفاد قرارداد با بی شدیم. قسمتی از خواسته‌های ما کارکنان کشتارگاه به شرح زیر است.

- ۱- پرداخت حق اضافه کاری که از ماه گذشته قطع شده است.
- ۲- اجرای قراردادهای سابق که کارکنان بر اثر مبارزات خود به دست آورده‌اند.
- ۳- پرداخت حداقل دستمزد جدید که وزارت کار تعیین کرده است.
- ۴- پرداخت حق مسکن.
- ۵- خواربار و اولاد.
- ۶- افزایش ضرب حقوق و اجراء، طرح طبقه بندی مشاغل.
- ۷- نصفه سازمان گوشت و کشتارگاه از عوامل مزدور سابق و کسانی که برخلاف منافع کارکنان قدم برمی دارند.

به هر حال اجتماع ماکه جنبه مسالمت آمیز داشت با تهدید ماسوران کمیته روبرو شد. بلافاصله ماسوران کمیته هابه کشتارگاه آمدند و سده ای از پاساژان نیز شروع به آمد و رفت کردند. کارکنان گفتند که ماسوران کمیته حتی دخالت در کار آنها را ندارند و باید محل کشتارگاه را ترک کنند. اما آنها سده چند تن از نمایندگان ما را به کمیته بردند و در آنجا به وسیله چند نفر که قبل از اوکی بودند و کارکنان آنها را خوب می‌شناختند، تهدید به قتل کردند. یکی از اسواکی - ها که امروز در کمیته هم کاره است، گفته بود:

"شماره از بالای ساختمان به پایین برت می‌کنیم و با اینکه به مسلمانان می‌بندیم و..."

کارکنان که به نمایندگان خود ایمان دارند، سعی کردند مبارزه را از راهبای مسالمت آمیز و بدون درگیری پیش ببرند، اما عوامل مزدور و اسواکی های سابق مرتباً توطئه چینی کردند و سده تاجایی که رئیس دولت ما را ضد انقلابی قلمداد کرد. روز ۱۲ شهریور کارکنان قسمت ذبح کشتارگاه حدود ۵۰۰ نفر می‌شوند از چند روز پیش با مقامات مختلف (معاون وزیر کشاورزی، رئیس سازمان گوشت و سایر مسئولان سازمان) مذاکره کرده و به نتیجه نرسیده بودند، شروع به "کم کاری" کردند. هدف کارکنان از این عملیات فشار قراردادن مسئولان و به دست آوردن حداقل حقوق خود بود. بلافاصله پس از این اقدام برحق کارکنان، موج حملات ناخواندانه و تبلیغاتی دروغین آغاز شد. کسانی که مارا متهم کرده‌اند، از مسائل و مشکلات ماکه هستند، ظلم و سستی را که بر ما روا شده می‌دانند و لسی می‌خواهند با این عمل خود کارکنان را بر سرانند و آنها را از مبارزه دور کنند. اما این عوامل مزدور بدانند که ما کارکنان هیچگاه بر ضد منافع مردم و مصالح انقلاب قدسی بر نمی‌داریم و حاضر هستیم جان خود را نیز در راه زحمتکاران قربانی کنیم. اما در عین حال اجازه نمی‌دهیم حقوقمان با بحال شود و مزدوران و مرتجعین مانسند گذشته خون مارا بکنند. ما کارکنان در روز دوازدهم شهریور که شروع به کم کاری و اعتراض کردیم به این مسئله توجه داشتیم که نیازهای بیمارستانها و مراکز مشابه آن را تامین کنیم و این کار کردیم. حالاکسانی که یک عمر است بر خلاف منافع مردم قدم برداشته‌اند می‌خواهند دوباره مثل گذشته چها ولگری کنند. ما را "صدانقلابی" می‌خوانند.

به هر حال کارکنان مبارز کشتارگاه جزبایان حقیقت و حداقل خواسته‌های خود چیزی نمی‌خواهند و از تهدید و هوشیار عوامل مزدور نیز نمی‌هراسند و تا رسیدن به این خواسته‌ها مبارزه ادامه می‌دهد.

بکارکنان کشتارگاه، این زحمتکاران جنوب شهر تهران که در شرایط دشوار به سخت ترین کارها مشغول هستند، "مهر صد انقلاب زده‌اند کارکنان کشتارگاه را به خاطر حق طلبی و به جرم اینکه اجرای تصمیمات و قراردادهای گذشته را می‌خواهند صدانقلابی" نامیدند و با و قبحانه ترین عبارات و تهدیدها مورد حمله شان قرار دادند.

این حمله از جانب دولتی انجام گرفت که سرمایه‌داران را زیر "چتر حمایتی خود گرفتند و برای کمک به آنها تها بیگ فلم پنج میلیارد تومانی بودجه تعیین می‌کند. دولتی که آمادگی خود را برای سرکوب کارکنان کشتارگاه اعلام می‌کند، به سهانه ملی کردن بانکها، ۳۴ میلیارد و ۵۰۰ میلیون ریال به چهار لنگران خارجی که ظالمانه ترین بوسی رحمانه ترین فشارها ما وارد آوردند، "غرامت" می‌کند. طبیعی است چنین نیتی نباید هم تحمل نشدن کوچکترین مرهاد حق طلبانه را داشته باشد و حتی حاضر نباشد قرارداد بی‌راکه عاملان صدکارگری رژیم گذشته محبوبه قبول آن شده‌اند، بهیژه

تعجب آور نیست که رئیس چنین دولتی در جواب خواسته‌های منطقی و برحق کارکنان کشتارگاه عریده کنی کند و بگوید:

"به جنب... هر کارگردان مسلمان می‌خواهد بکشد، ما ز بار زور نمی‌رویم و..."

حال بهینیم کارکنان کشتارگاه جمهوری گفته‌اند و چه خواسته اند کسه این چنین دولت سرمایه‌داران هراسان شده است.

مطلب را از زبان یکی از کارکنان شنوید:

"ما کارکنان کشتارگاه بخصوص آن گروه که در قسمت کشتار مشغول هستیم کارکنان و زبادی داریم، کمتر کسی با مشکلات و دردهای ما آشنا است (البته با حساب کارکنان زحمتکار را از دلایلی واسطه‌ها و افراد مفتخوری که در کشتارگاه هستند، جدا کرد). در میان این زحمتکاران، آدم سالم کمتر پیدا می‌شود. کانی است کارگری چند سال در کشتارگاه کار کند تا به چندین نوع بیماری از جمله ساینک، واریس، کمردرد، ورم مینتلا شود. ما مجبور هستیم در طبیعت ۱۸۰ درجه بدون کمترین استراحتی کار کنیم و بطور مرتب گوشت مردم را تا من نمانیم با این همه سختی، دستمزد ما بسیار ناچیز است. مثلاً کارگری که ۱۵ سال سابقه کار و چند نوع بیماری دارد، روزی ۸ تومان می‌گیرد..."

ما در سالهای گذشته مبارزات زیادی کردیم و موفق شدیم در اوایل سال گذشته قرارداد با مسئولان سازمان گوشت منعقد کنیم که مهمترین خواسته - های ما را در بر می‌گرفت. مثل افزایش حقوق، حق مسکن و اولاد و خواربار. پس از پیروزی قیام ووری کار آمدن دولت جدید انتظار داشتیم که سایر خواسته‌هایمان عملی شود و قرارداد با ما به طور کامل اجرا گردد. از جمله ۲۵ درصد افزایش حقوق و بالاترین ضرب دستمزد و اجرای مفاد قرارداد سابق. اما قصبه دست بر عکس شد. زیرا از فروردین اسال ۷۵۰ تومان از حقوق ما کم کردند و خواسته‌های دیگر نیز هیچکدام عملی نشد. در شهریور ماه اسال نیز حقوق ما چند روز دیرتر پرداخت شد و بعد هم با کمالت تعجب دیدیم اضافه کاریمان کاملاً قطع شده است. به طور مرتب کارکنان ماهانه ۱۰۰ ساعت اضافه کاری می‌گرفتند که این مبلغ برای ترمیم حقوق بود و با قطع آن دیگر ما قادر به تامین حداقل زندگی خود هم نیستیم به عنوان مثال کارگری که در سال گذشته ۲۰۰۰ تومان می‌گرفته اکنون کمتر از ۲۰۰۰ تومان دریافت می‌کند. زیرا به لطف دولت انقلابی، یکباره ۷۵۰ تومان از حقوقش کم شده و اخیراً نیز اضافه کاریش را بریده‌اند.

بقیه‌ما صفحه ۱

باز کردن مشت فرمت طلبان و مرتجعینی که با فریب کارکنان و دهقانان و سایر زحمتکاران، خود را انقلابی حامی زنسند ولی در عمل در خدمت به تجار و سرمایه - داران بزرگ هستند، هدف عمده این روزنامه بوده است. ارتعاج حاکم مثل همیشه برای فریب توده‌های دروغ متوسل می‌شود و می‌گوید: "آنها ای که از آزادی و دموکراسی حرف می‌زنند، می‌خواهند حتماً آزاد باشد، تجار و خوار آزادی آزاد باشد، دختر و پسر آزادی در دکان در دارم لولولند و ما با آن مخالفیم. مای گویم این حرفها مال کسان است که می‌خواهند آزادی و دموکراسی برقرار شود. با بهای این حکومت سرتا آگاهی توده‌ها استوار است. چنین حکومتی چگونه می‌تواند صدافانه سخن بگو یسد و گذارد هر کس آزادیانه حرفش را بزند و گرنه چه دلبلی دارد که آشکاری گوید. "مردم کتا بهار استواید: و پنهانی می‌گویند. "آنها اسوزانید و در این راه از تمام تجربه‌های چند هزار ساله خود سوسو می‌جویند: آنها می‌گویند. "آزادی دادیم سو" استفاده شد، پس گرفتیم. آنها آزادی هائسی را که خلقی فرمان ما مبارزه خونین خود کت کرده است، آزادی اهدائی خود می‌دانند. ارتعاج خود اعتراف می‌کند که به سهانه واهی سو" استفاده از آزادی است که دشمن مردم برای به سسند کسند مردم زحمتکار به این حمله سسند سوسلی می‌شوند تا طبقات حاکم نتوانند مردم زحمتکار را بچایند و عیش و عشرت رانصیب خود و فقر و محرومیت رانصیب کانی کند که کاری کند و نادم استهای خود همه نعمت مادی را برای ادامه حیات سرت تولید می‌کند.

آذرگشت دلبر را آنا سربازان کسیند. حلالی، دکترو شوید سرداری، بزنگ سمرستان را به علت درمان‌گردهای محرومی که به سمرستان آورده بودند به حومه اقدام برده است. ۶۸ عمر اهالی بنگاه روسای فارتان را با تقاطع می‌قتل عام کردند. آ تا کز مطوعات آذر: د بود، اگر تلویزیون صحنه این جنایات را نشان می‌دهد، اگر سازمانهای سیاسی حق معالمت عملی را داشتند، ارتکاب چنین جنایاتی مسرود؟ مردم تسوی دهان اسپهالی زند، اگر آزادی سوسو، اگر مطوعات آزاد بودند، اگر سرتزده راد یوتولویزیون سامور نبود، کجسا می‌توانستند هر چه می‌خواهند بکنند ولی مدارش در نیاید. کتا روزنامه اطلاعات یک عکس از صحنه اعدام انقلابیون برایش اخطار به کنی فرستاد که ابتکار خلاف شرع و خلاف، مصالح جمهری اسلامی است. چرا که اگر مردم بگنهند مادر کردستان چه کرده ایم، ملوا برپای می‌شود. این است علت اصلی ساسوزی که برقرار کرده‌اند. هیات حاکمه "هرض" مطوعات آزاد را وابسته به اسرائیل حرف می‌کند و باز رنگسی حرفه‌ای خود با نظور و نمود می‌کند که عظیم مطوعات آزاد به خاطر وابستگی آنها به صهیونسم بین‌المللی بوده‌اند و گرنه آنها هیچگونه هراسی از سسند ارتعاج خود اسالی مردم ندارند. آنها که سسند از کارخانه حمل سازی پودر و برداری خود اسناد و مدارک دفنی سسرون می‌کند. در مورد سرتزده‌ها و سسریات چه می‌گویند و اصولاً چه می‌توانند بگویند؟ آنها درباره روزنامه کارچسبه می‌توانند بگویند؟ روزنامه کارچسبه مدت اینستار خود به جوسی سان داده - است که از منافع چه کانی بشنایسی کرده و ماهست چه کانی را افتخار می‌کند

تنها مرتجعین با آزادی...

خود برانگیخت. آنها برای ادامه سرکوب مبارزات حق طلبانه کارکنان زحمتکاران و همه خلقهای سسند سده ایران، می‌بایست اول روزنامه‌ها را تعطیل می‌کردند و دفاتر سازمانهای سیاسی را می‌سند و تلویزیون را عه می‌کردند تا کسی مدارش در نیاید تا ما با مردم از جنایاتی که قرار سسند در کردستان مرتکب شوند با خبر سسند هنگامی که خلق ما ز کرد حقوق حقه خود را مطالبه می‌کند و بران پای می‌مشاور هیئت حاکمه به جای بر آوردن خواسته - های آنان به فتون کنی نظامی و خغه کردن صدای مردم کردستان به روز توپ و تانک و مانوم متوسل می‌شود. آنها درباره سرکوب خلق کردار هیچ وحشیگری و بددستی فرودگار کرد سسند. بهترین فرزندان خلق کردار سسند سده بدون محاکمه به حوضه‌های اعدام سسند و خاطره وحشی گری های جلادان را با مهری رازنده کردند. آنها بیکر سه حسان و خونین رفیق شویدها هیدراری برانکار د به میدان سسند و چنانچه عکسها نشان می‌دهند روی برانکار د سسرا ران کرده‌اند. آنها سسری را روی برانکار د به میدان سسند که برانر شکنه قادر سده است روی ناهای خود سسند. اورا خواندند و سسریاران کردند. آنها زبان کردار "اسر حرسی" سسند و سسراور به آنها را تحت پوشش فاسس سسند حایر سسند هاند. ما سسرا ان اعلاب سسرا سینه کودکار، ترمس سسرا داری کرده‌اند شیخ حلالی، آذرگشت دارایی، کودک ۱۲ ساله را مجارب اعدا و معسلی الارض سسند و اورا اعدام کرده است. شیخ حلالی، در سسند در حین بازجوئسی از آذرگشت ۱۲ ساله و فحاشی و توهین کرد و آذرگشت در حالی که دستباز سسرا سسند به روی حلالی تفت می‌کند. حلالی، بازجوئی را فقط دستوری دهد

سرکوب خلقها خواست امپریالیسم و ارتجاع است

انتشار خبرنامه شاخه خوزستان سازمان چریکهای فدایی خلق

● دستگیری‌های متعدد عناصر آزادپخواه
و مبارزین در اهواز

اولین شماره "خبرنامه شاخه خوزستان" سازمان چریکهای فدایی خلق ایران روز جمعه هشت شهریور ۵۸ منتشر شد. در سرمقاله این خبرنامه می‌خوانیم:

"... ما بر آنیم که کتابهای می‌توانیم به تاراج داد و کتابفروشی‌ها را به آتش کشید و لی اندیشه راه‌گزر، خلق‌های می‌توان به خاک و خون کشید و لی اسارت ملت‌ها را نمی‌توان همیشه کرد. ششتر "داموکلس" قانون ضدکارگری را می‌توان دگر بار بر فراز سرکارگران آوزبان کرد ولی "کار" را نمی‌توان دگرگامی در محسن سرمایه نگاه داشته رهایی حلی هازر است ملی و کار از قبیل سرمایه و بیروزی آگاهی بر ارتجاع و خلقی بر امیرالزم، ضرورتی است که نیروهای راسته به ارتجاع اگر چه ناخواسته و جبراً در بار بود به قبول آن تن خواهند داد. این خبر تاریخ است و ما نیز این گفته رفیق کسیر "هوشی من" را نیک به خاطر داریم که سن ما و امیرالزم دره ژرفی است که می‌باید با خاکستر ما برگرود. از امر که چه باک؟ آنجا که مرگ بنابر است آزادی است و خون بنز آگاهی. ما فدائیان خلق جان بر سر این باور خوش گذاشته ایم...

انتشار این خبرنامه کام مہمی در جهت رساندن خبر، در شرایط اختناق کنونی به گوش زحمتکشان می‌باشد. در این خبرنامه خبرها و اخباری از دستگیری‌های آزادپخواهان در اهواز آمده است که در زیر می‌خوانیم.

دستگیری یک رفیق فدائی یک فدائی خلق به نام شجاع الدین شکران از روز دوم شهریور در اهواز توسط مأمورین کمته دستگیر شده است. او که سابقه طولانی مبارزاتی علیه رژیم شاه خائن دارد و در این راه متحمل شکنجه‌ها و سزاها شده است، بدو هیچ جرم و انتہایی در بازداشت به سر می‌برد. ماضی اعتراض به دستگیری او خواهان آزادی هر چه سریعتر است مبارز فدائی هستیم.

کارکنان پیشگام مخابرات:

تلفن‌ها کنترل می‌شود

کارکنان پیشگام شرکت مخابرات در بهانه ای که مدعی پیش‌منتشر کردن فاش ساختن که تلفن‌های مردم مانند سالیهای سیاه گذشته کنترل می‌شود و وسایل ارتباطی ساواک (تلفن، تلکسی بی سیم خصوصی، اف، ایکس-رایس، مدارات) دست نخورده باقی مانده و مشغول به کار هستند. کارکنان پیشگام مخابرات شرکت مخابرات نادآورند: ساری از مدیران کل و روسای خائن وفادار مخابرات که همکاری نزدیک ساواک داشتند و در زمینه‌های ارتباطی و مخابراتی به ساواک کمک‌های مؤثر می‌کردند، همچنان سرکار هستند و همان خدمات را برای حاکمیت موجود انجام می‌دهند. در سانس کارکنان پیشگام مخابرات هم‌کاری و عدم قاطعیت شورای عمومی

کارگران دماغی تریسز:

اداره کار حاضر نیست کارفرمایان را مجبور به پرداخت حق کارگران بنماید

کارگران دماغ و حلاج عضو سندکای کارگران دماغ برای گرفتن حداقل دستمزد که از طرف اداره کار اعلام شده و بحثنامه مربوط به آن نیز صادر شده است، تاکنون چندین باره کارفرمایان اداره کار و استانداری کمیته‌های اسلامی مراجعه نمودند ولی تا امروز هیچ بولسی باغ جمعوتان به آنها داده نشده است. دستمزد کارگران دماغی خیلی کم است. و اخیراً از طرف دولت اعلام شده است که حداقل دستمزد کارگران ساید کمتر از ۷۶۰ ریال باشد و ما به التفاوت طلب کارگران سرانجام اول فروردین سال جاری بکار پرداخت کرد. اما کارفرمایان هیچکدام حاضر به پرداخت ما به التفاوت حداقل دستمزد از اول سال جاری نیستند. کارگران می‌گویند: "اداره کار بدتر از گذشته کار می‌کند و بحثنامه‌های خود را زیر پا می‌گذارد و هیچ وجه هم حاضر نیست کارفرمایان را مجبور به پرداخت حق کارگران بنماید. از طرف استانداری هم بکار بازرسی آمده و بعد از تحقیق سه اداره کار دستور داده است که به شکایت مازیدگی کند ولی اداره کار تاکنون هیچ اقدامی در این زمینه به عمل نیاورده است

کارکنان پیشگام مخابرات شرکت مخابرات در بهانه ای که مدعی پیش‌منتشر کردن فاش ساختن که تلفن‌های مردم مانند سالیهای سیاه گذشته کنترل می‌شود و وسایل ارتباطی ساواک (تلفن، تلکسی بی سیم خصوصی، اف، ایکس-رایس، مدارات) دست نخورده باقی مانده و مشغول به کار هستند. کارکنان پیشگام مخابرات شرکت مخابرات نادآورند: ساری از مدیران کل و روسای خائن وفادار مخابرات که همکاری نزدیک ساواک داشتند و در زمینه‌های ارتباطی و مخابراتی به ساواک کمک‌های مؤثر می‌کردند، همچنان سرکار هستند و همان خدمات را برای حاکمیت موجود انجام می‌دهند. در سانس کارکنان پیشگام مخابرات هم‌کاری و عدم قاطعیت شورای عمومی

کارخانجات مهمات سازی با حداکثر ظرفیت کار می‌کنند

کارخانجات اسلحه سازی و مهمات سازی در یکی دو ماه اخیر وبه ویژه پس از وقایع کردستان با ظرفیت زیاد مشغول کار هستند و نیروهای سرکوبگر ضد خلقی که در دولت ارتش نفوذ دارند برای تولید بیشتر فشازهای بر کارگران و کارکنان این کارخانجات وارد می‌آورند.

بسیاری از پرسنل انقلابی این کارخانجات که در جریان قیام همراه بنا مردم بودند و با اعتصاب و کم کاری سطح تولیدات نظامی را پائین می‌آوردند امروز با این مسئله روبرو هستند که دولت ارتش این همه تجهیزات و مهمات را برای

دستگیری یک کارگر نامزدجوکار کارگر "فاستروویلیس" اهواز روز ۲۵ تیر هنگام ورود به کارخانه مورد بازرسی بدنی قرار گرفت و دستگیر شد. از آنجا به زندان کارون اهواز منتقل شد. هنگام بازرسی از کیف نامزدجوکار کتاب و اعلامیه روزنامه توسط نگهبانان ضبط می‌شود که بعداً همین اعلامیه‌ها از طرف مقامات دولتی تبدیل به بمب می‌شود و نامسر جوکار متهم به داشتن بمب می‌شود. نسبت دادن چنین اتهاماتی به نیروهای مترقی و آزادپخواه تازگی ندارد. در گذشته نیز از این دروغ‌پردازی‌ها و تقلب و اقمیت هاز جانب ساواک و دیگر نیروهای حافظ منافع سرمایه‌داران بسیار دیده و شنیده ایم.

ماضی محکوم کردن این سوطه‌های صدکارگری و ضدآزادی خواهی اسلام می‌کنیم که موج دستگیری باور و شورش‌های بی منطق اخیر که موما با برچسب ضدانقلاب همراه است موجبات نگرانی عمیق کلیه کارگران و نیروهای مبارز را فراهم آورده است. ما خواهان آزادی سریع و بدون قند و شرط همه آزادپخواهان در بند هستیم.

گزارشی از زمین مردم محب شپسیر به عنوان اعتراض به دادگاه انقلاب اسلامی

از روز شنبه ۳ شهریور ۵۸ مقوهایس به درود بیور شپسیر چسبانده شده بود. دایر براینکه برای اعتراض علیه دادگاه انقلاب اسلامی تیریز ساعت ۵ صبح روز ۴ شهریور ۵۸ در میدان مسجد جامع جمع می‌شویم. توضیح اینکه در جریان کشتار رژیم خانیگار سابق ۴ نفر کشته شدند. که دادگاه انقلاب اسلامی نتوانست با عوامل اصلی را که سرتیب ملی‌گوشه و سرگرد گلگلان فراموشی‌انرا اصلاحه بی میز محاکمه نکند، بلکه به سرگرد گلگلان نفر تریغ درجه داد موهمراه با ملی‌گوشه به مناطق بد آب و هوای کشور (تهران) تبعید شدند. دادگاه چند ارتشی رتبه پائین را به حبس می‌آورد (۱۵ سال محکوم نمود). این اعمال دادگاه باعث شده که مردم بی‌بهرند که ارتش همان ارتش سابق است و هیچ تغییری نکرده است. کارگری می‌گفت: "بعد از کشتن این ارتشی‌ها به طرف انقلاب دروغ است. بد سوخته‌ها شاهچی هستند ولی از ترس مردم خود را مسلمان کرده‌اند."

روز یکشنبه ۶ تیرماه ۵۸ تمام خانه‌های محبشیر به حال تعطیل درآمد. جوانان و تعدادی از کارگران جوان که ۵۰۰-۴۰۰ نفری شدند از میدان وسط خیابان تخمن کردند. امام جمعه شهر شادبادی "که برای بهم زدن تخمن آمده بود، وقتی شنید که مردم اطلاع دارند که وی ۱۵ روز جیلاد شهادی عجیبشیر را در خانه اش قایم کرد، به سرعت فرار را برقرار ترجیح داد. شعارها بیشتر در اطراف میدان سرتیب ملی‌گوشه و گلگلان فرومیشان دور می‌زد.

عزیزترین فرزندان خلق را به جوخه‌های اعدام...

طبقه کارگر، این ستاد رزنده کارگران پیش از پیش گسترش داد. سعید اعتقاد داشت که "می‌باید با بنیاد جامعه پیوند با هم "اوپوسته کارمندی در کارخانه را با با موختن و آموزش دادن پیوند می‌زد. چرا که اعتقاد داشت اقدام انقلابی بدون تئوری انقلابی راه راه براه می‌برد. در این هنگام رفیق سعیده شپسیر خود کرمان بازگشت و در نخستین اقدام در زمین کارگران که از ناآگاهی و احساسات مذهبی توده‌های زحمتکش، در جهت تحقق هدفهای ارتجاعی و ضد مردمی خود استفاده می‌کنند، مبارزه می‌انسانی را آغاز نمود. از جانب نیروهای ارتجاعی شپسیر در معرض موجی از حمله و تهمت واقع شد و بارها مورد ضرب و شتم قرار گرفت. اما سعید را که با مردم همسان خونین بسته بود از این همه تهمید و تهمت واقتر ترسی نبود. اومی گفت؟ من عقیده ام را زدن دغمه‌های تاریک و مربوط روستائیان و دستهای پهنه‌بسته کارگران سپهن گرفتارم و به خاطر عقیده ام می‌تنگم و با هم می‌تنگم... این جواب همیشه ایوبود به زما سدااران کنونی و مشتت مرتجع طلوم الحال...

سعید آخرین بار در جریان بخش اعلامیه، توسط افراد مسلح کمیته ام کرمان دستگیر و مورد بازجویی قرار می‌گیرد. و علیرغم شکنجه و آزاری که در کمیته ام می‌شود حتی از گرفتن نام خود نمی‌آید. امتناع می‌ورزد و پس از دو هفته آزاد می‌گردد.

پس از هائی از کمیته، فعالیتهای انقلابی خود را از سر می‌گیرد. تا اینکه شنبه ۲۷ مرداد ۵۸ در جاده کرمان-بافر آباد وقتی که باوانت باری که با آن کار می‌کردانزد کارگران بازمی‌گفت، توسط افراد کمیته امام، ترور می‌شود. جریان ترور او به شرح زیر بود: سعید از افراد کمیته امام با ماضی میب استین، جلوی اومی سپهبد و او را اداره توقف می‌کنند. سپس آتش رگبار مسلح بوزی راه روی او بازمی‌کنند. آنجا یکی از افراد کمیته شقیه سعید را با کلت همد می‌گیرد و آن را ماضی می‌سازد. ساعت ۹/۵ همان شب افراد کمیته ملی برادر سعید را دستگیر می‌کنند و به خانه سعید بوش می‌برند. در خانه تعدادی کتاب، مگسهای از فدائیان خلق شپسیر، یک ماضی تاپ، مقداری مرکب مربوط به ماضی کتشر، مقداری باروت، گلیسرین و گوگرد بود که همه آن به عنوان مدارک جرم ضبط می‌گردد. افراد کمیته خصوصاً تمام مدارک شناسایی سعید را با خود به کمیته برده همه را از بین می‌برند. توگوشی با از بین بردن تعدادی اوراق شناسایی، قادرند نام سعید را از خاطره‌ها پاک سازند.

در روز پنجشنبه ۲ شهریور ۵۸ ملی برادر سعید، به اتهام جعلی ارتباط با حزب دموکرات کردستان و داشتن اعلامیه‌ها و نشریات سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، در دادگاه انقلاب اسلامی کرمان به محاکمه کشیده می‌شود. دادگاه در ساعت ۲ بعد از ظهر رفیق ملی را به اعدام محکوم می‌کند، ۲ ساعت بعد، ملی برادر رفیق سعید، به جوخه اعدام سپرده می‌شود و روزنامه‌های صبح و عصر تهران خبر اعدام ملی را با ماضی‌های انقلاب اسلامی کرمان، مانند همیشه به شکل تحریف شده ای به چاپ می‌رسانند... گزارنامه سراسر خون و شکنجه و اعدام فدائیان خلق، شرار از این شقایق‌های گلگون کفن است. خون و شهبود آگاهی تنها هدیه انقلابی فدائیان است به پیشگاه خلق قهرمان ایران، دوستان و دروغین مردم، به قدرت خردبندگان و مرتجعین باید بر خود بلرزند اگر بدانند که در آینده، شهر و روستا از شقایق‌های مارگین خواهد شد و این بار بسدون کوچکترین شک و تردیدی می‌گویم... نام ایمان خود می‌گویم... پیروزی از آن کارگران، دهقانان، خواهران و برادران است. این بار پیروزی در انتظار دوستان راستین کارگران و زحمتکشان شهروستان است.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

کار

محمد مکرری با دروغ پردازی های خود ...

بقیه از صفحه ۱

آقای مکرری هیچ معلوم نیست چرا در میان شعرای بقدر به سائل کردستان علاقه مند شده اند و با خود نشان حرفهای بی سرتومه هم می یافند - بهتر از سایر مردم مکرریان رزم مش خود را با یک دو ماهیست خود را که صدمت با مردم زحمتکش است به سائن گذاشته و می گوید "در اینجا باید تصریح کنم که هیچک از مردم واقعی کرد و اهالی سی تهرها و تحصیل کرده ها و محترمان و حتی بازاریان شهرهای کرد نشین در اغتشاشات احمر منطقه با عوامل توطئه گریه همکاری نداشتند و تنها عده ای از روستائیان با آگاه منطقه سردش و عده ای از پیشین - مرگان حلال طلبانی که از ریزش با شیخ عزالدین حسینی طرز تفکر واحدی دارد به همراه عوامل دکتر محمود عثمان که عزانی است و اخیراً نیز در کرج سکونت داشته است و پسران ملا مصطفی بارزانی او را به جرم همکاری با حکومت عراقی اخراج کرده بودند ، در جریان منطقه فعالیت داشته اند ... (تا یکداز ماست)

(اطلاعات ۱۵۹۵۲-۲۲ شهریور) در این کلمات صدمت ایشان با روستائیان زحمتکش به جوی آشکار است. آلمانیه توده های دهقانی و زحمتکش روستاهای کردستان "مرد واقعی" کرد نیستند؟ بنظر دکتر مکرری چون دهقانان کردستان از حقون خود دفاع می کنند "آگاه" و عوامل صهیونیسم هستند ایشان معتقد است که هیچک از مردم واقعی کرد با نیروهای ماروز و انقلابی و با خلق کرده نگاری نمی کند. اگر چنین است اعدام ، عظیم ، پزشکان و روشنفکران کردستان در دو هفته قبل برای چه بوده است. اگر مردم زحمتکش شهرهای کردستان حرف شمارا قبول دارند پس اعتراضات عدیده آنها در همین چند روز که شهرها حالت فوق العاده نظامی دارد بر سر چیست؟ تعطیل بازارها ، خانه ها و مهاباد و سایر شهرها برای چیست؟ آقای مکرری "محرتمین" کردستان را از همکاری با "عوامل توطئه گر" سیرا دانسته و "تنها عده ای از روستائیان آگاه" را سبب اغتشاشات اخیر منطقه "مرفعی" کرده اند. چرا که در نظر آقای مکرری محترمین همان پولدارها ، اعیان و اشراف تجار و عروف و زمینداران بزرگ هستند و این همان شیوه مرتجعین تاریخ است که دهقانان زحمتکش را "یک مشت دهاتی بی سرو پا" می نامد و از یلاکس و فتوودالها با عنوان "محترمین" یاد می کند.

آری ، آقای مکرری در کردستان "محترمین" که شما از آنها دفاع می کنید چنانچه خود اعتراف کرده است "بسیار فتوودال ها ، تجار بزرگ ، سرمایه داران و استو بطور کلی مناصب ریاست به طبقات حاکم هستند و پرواضح است که در کنار شما قرار دارند و جمهوری اسلامی شما را می ستایند ، و همان روستائیان که شما آنها را "آگاه" می نامید و شما شایسته احترام نمی دانید . چرا که در نظر آقای مکرری "مرد واقعی" که "مرد واقعی" کرد "در اغتشاشات" نقشی نداشته و لیبی می دانید چرا؟ چون این "اغتشاشات" به وسیله ارتش ، سپاه پاسداران و پوه راهنمایی زما مداران جدید صورت می گیرد و اینها هستند که علیه خلق کرد "توطئه" می کنند و گناه "مرد واقعی" کرد و توده های دهقانی و روشنفکران و حتی بخش زیادی از بازاریان کردستان این است که از حقوق خود دفاع کرده و می خواهند مبارزه ضد امپریالیستی را پیش ببرند . آقای دکتر مکرری اینها حقایق است که شما نمی خواهید برای مردم توضیح دهید زیرا طرفدار مرتجعین هستید و این حقایق مشت شما و همان "محترمین" را که شما از آنها دفاع می کنید باز خواهد کرد .

بقیه از صفحه ۱

آمر است . مع خود زانکود و در اس راه ه هر سله ای موسیل می بود و همین س اهرمهای که امروزه کار می کرد ، کسی محمو بوده و هاود مکرری سرکوب نیروهای انقلابی است و رسمه ساری های فتون - کسی مکررستان و کسار خلق کرد نشین گواه جیس سیاسی بود . لذا اگر قبول کنیم که سر و سوت مبارزه در کردستان بیبودی س عسق با سر و سوت جنبش ترقی جواه تمام حلقه های پسران دارد . سر و صدا فت انقلابی است که به حمایت از مبارزه حق طلبانه خلق کرد بر حیزم اس نهایت مرصت طلبی است که در موصو مکرری های سیاسی شپاه اس عبارت کلی و مرصت طلبانه فتنه کش که ماز مارا از حق طلبانه خلق کرد حمایت می کند .

مبارزات حق طلبانه خلق کرد تحت رهبری نیروهای سیاسی سازمانهای سیاسی خاصی با مضمون و محتوا سیاسی مشخص صورت می گیرد . امروز حمایت از خلق کرد یعنی حمایت از سازمانهای سیاسی خلق کرد . تحلیل های استراتژیک یک ماسی برای یک دوره است . چه دیموکراتیک خلق چه افشار و طبقاتی باید پشت پرولتاریا صف بندی کنند ، چه نیروهای باید بی طرف شوند و کدام یک باید سرنگون شوند ، هواره در بر نامه سیاسی و تاکتیک صورت اتخاذ یک سیاست مشخص نسبت به سازمانهای سیاسی وابسته به آن افشار و طبقاتی در خواهد آمد . یعنی تحلیل استراتژیک در نهایت وقتی در عمل خواهد به کنار بسته شود به صورت اتحاد با سایر نیروهای ترقی که در سازمانهای سیاسی خود متشکل شده اند در می آید . بصورت گوشش در راه منفر کردن نیروهای خبیات پیشه و سازشکار ، تصفیه آنها از صف نیروهای خودی و به صورت مشخص کردن دشمن عمده در هر مقطع مشخصی در می آید . کمال سادگی و نادانی است که در مبارزه طبقاتی به ویژه در انقلاب دیموکراتیک کسانی که از مانیستند حتی دشمن عمده را محسوب شوند و با کسانی که با دشمن عمده مانیستند حتا دوست ما به حساب آیند . استالین در این زمینه تا آنجا پیش می رود که استراتژی را "حجت وارد آوردن صربه اصلی پرولتاریا" می شمارد و می گوید این صربه را هم "منفرد کردن نیروهای می داند که باید منفرد شود . در مورد مشخص کردستان هم باید یکویم روح فرصت طلبی و ریاکاری آن است که از مبارزات خلق کرد دفاع کنیم بدون آنکه مشخص کرده باشیم این مبارزین چه کسانی هستند و با آنچه کسی دفاع می کنیم . ما معتقدیم که دفاع از شورای مهابدی جمعیت های سیاسی خلق کرد ، یعنی فدائیان ، جمعیت زحمتکش کرد و دیموکرات در شرایط کنونی و طبقه تمام نیروهای انقلابی و مبارز و به جنبش ترقی خواه خلق است . باید با صراحت و صداقت این طبقه را شناخت و بدان عمل کرد . هر نوع طفره رفتن از این موضع به همدلی که باشد فرصت طلبی و گرفتار شدن بردارم ارتجاع است .

موضع گیری کنفرانس چی هلا صریح ترین و با ارز ترین نمود ارتجاعی است که در پیش تنز انحرافی و مرتجعانه سوسال امپریالیسم نهفته است . رهبران چن این تئوری را وسیله ای برای توجیه زد و بند و اتحاد خود با سازمانهای تریب جناح امپریالیستی های امپریالیستی قرار دادند و امروز کنفرانس چی ها با پیروی از این اراجیف هلا چنانکه می بینیم با ارتجاعی ترین جناح هلا ت حاکم مهابدینهایی که شعار فاشیستی صهیونیستی "حزب دیموکرات راه خاک و خون می کشیم" همصدا شده اند . غالب است که سازمان بیکار که ظاهر انقش هادی رادر کنفرانس بر عهدہ دار وقت متوجه واکنش نیروهای ترقی در برابر این موضع ارتجاعی دشمن کوشش برای جلوگیری از انتشار و وسیع آن و جمع آوری نسخ چاپ شده کوشش تا به نحوی به جبران مسئله بر دازد . چنانکه در نشریه بیکار شماره ۱۸ با حمله به همین شعار فاشیستی کوشید همصداقی سابق خود را با مرتجعین سرنگون کرد و ارتجاع قرار دهد . و این بیان نتایج بین تئوری و عمل را با کتا نهاده تئوری حل کرده و وجه باری از یک سیاست پراگماتست را به نمایش گذاشت .

۱۴۰۱۴۱۴۱۴۱

کنفرانس وحدت با موضع گیری سیاسی خود ...

● امروز حمایت از خلق کرد یعنی حمایت از سازمانهای سیاسی خلق کرد

بجنگی "می ندارد" ارای نظر حریب نوده ایران . حزبی که استخوان سدی آن را احسن مفاطمه کاران خسته تشکیل می دهد دارای هویت ثابت و جانانده ای است لذا در هر مورد خاص در آینده دراز مدت از قبل می توان دریافت که متنا و محور حرکت نوده های هاهما سیاست لیبرالی است

حزب نوده ایران ارای نظر حزبی است خان سحت که سالهای سال در عرصه مبارزات طبقات لنگ لنگ به حساب خود ادامه خواهد داد . اما برخلاف آن کنفرانس وحدت نمی تواند در دراز مدت به تعقیب ایدئولوژیک خود ادامه دهد و چنانکه پیداست از هم اکنون بر سه تشکیل این التقاط و احتصار این عملیاتی که به نام مارکسیسم منوان می شود آغاز شده است . آری کنفرانس وحدت با این دیدگاههای التقاطی خود واقعا دارد "جان می کند" . این کنفرانس برای مدت های مدیده همین شکل زده خواهد ماند .

گفتیم مبارزه ایدئولوژیک از نظر مارکسیست های واقعی هرگز مبارزه ای نبوده است که به "عالم اولی" مربوط شود و به حیات و مبارزه و مسائل روزمره طبقات اجتماعی و نیروهای سیاسی ربطی نداشته باشد . هم از این روست که مارکسیست - لنینیست ها هواره روی اولیت ایدئولوژیک تا یکدازند و باید موظفند هواره و همیشه صفوف خود را از هرنوع انحرافی و به ویژه از انحراف در اصول بزایند .

مداقین تنز "سوسیال امپریالیسم" اگر واقعا بخواهند به آرمان طبقه کارگر وفا دار باشند راه چاره ای جز بازگشت به مارکسیسم و رد این نظرات ارتجاعی ندارند .

موضع گیری ارتجاعی با فریبکارانه و قد برولتری کشیده خواهد شد . کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر که معتقد به سوسال امپریالیسم و ظاهر ناخی تئوری سه جهان است ، اخیرا بهانه بلند بالایی پیرامون مسائل کردستان انتشار داده که در آن به بارز ترین وجهی ارتجاع نهفته در تئوری سوسال امپریالیسم و جوهر واقعی اش یعنی همان تزه جهان راه نمایش گذاشته است . در روزهای که ارتجاع حاکم با توپ و تانک و هلی کوپتر و هواپیما به قصد سرکوب نهفت خلق کرد منقول قشون کشی است و در حالی که سازمانهای سیاسی خلق کرد از جمله حزب دیموکرات کردستان زیر شدیدترین حملات ارتجاع حاکم قرار دارند و عملا به عنوان یکس از نیروهای شرکت کننده در شورای مهابدی جمعیت های کردستان در مبارزه علیه مردم کشی ارتش و پاسداران در کنار مردم قرار گرفته است ، کنفرانس چی های م اعلامیه داده اند و حزب دیموکرات را "نیروی وابسته به بیگانگان و خائنکار اعلام کرده اند .

آنان رهبری حزب دیموکرات کردستان را "عده ای جاوس و وابسته به سوسال امپریالیسم روس" (که اشتباهات شوروی نوشته شده) دانسته اند که "یک سر توطئه هائی است که علیه خلق کرد طرح ریزی می شود" . قبل از پرداختن به مطلب کانیست برای خوانندگان توضیح دهیم که سازمان انقلابی زحمتکش کردستان که سه دیدگاههای اساسا مورد تأیید همین کنفرانس چی هاست هم اکنون زیر فشار و انقیات ، به همکاری با همین توطئه گر های وابسته به بیگانه (چقدر کلمات شیبه وازه هائی است که ارتجاع به کار می برد ، اصلا خود ارتجاع است که زیر

در سالهای اخیر صورت مبارزه با روس بوسم و بر صدر مارکسیستی سوسال امپریالیسم در سطح جنبش کمونیستی بطور حدی مطرح بوده است . همانطور که می دانیم علمدار روزمره . مع مدرن در ایران حرب نوده ایران و متکسل کننده و بلندگوی نیروهای هواد ارتجاعی ضد سوسالیستی و ارتجاعی سوسال امپریالیسم "کنفرانس وحدت در راه آزادی طبقه کارگر" است .

ار آنجا که تاکنون حطه مبارزه ایدئولوژیک پیرامون انحراف احمریست به مسائل محدود و محدود مانده است ،

کنفرانس وحدت مفهوم مبارزه طبقات و درگیری نیروها را لمس نمی کند ، چرا که عملا در چنین مبارزه ای شرکت ندارد .

و تبدیل آن به یک اردوگاه امپریالیستی بوس به عمل و مبارزه امروز طبقه کارگر و سایر زحمتکش خلق ما ارتباط ندارد . حال آنکه از طبقه کارگر کمونیست با اختلاف بر سر هیچ مسئله اصولی نیست که به اختلاف در براتیک روزمره نیچاند . به زبان دیگر چنانچه یک اختلاف "واقعی" در زمینه مسائل عام نیست دو جریان کمونیستی مداوم باید . لاجرم باید لااقل یکی از آن دو جریان از حیطه حشش کمونیستی بیرون رانده شود . زیرا مارکسیسم می گوید تا آن می کند که راهنمای عمل باشد و در عمل به کار بسته شود تا حقیقت آن (درست بودن آن) نظریه آشکار گردد .

مداقین تنز "سوسیال امپریالیسم" اگر واقعا بخواهند به آرمان طبقه کارگر وفا دار باشند راه چاره ای جز بازگشت به مارکسیسم و رد این نظرات ارتجاعی ندارند .

دیگری ندارند . در عین صورت آنان هم چون حاکمت ارتجاعی چن در سطح جهانی کاملا افشاده و وحدت منافع و وحدت عمل آنان با جریانهایی امپریالیستی اجبارا طی بروسه آشکار شده و تحکیم خواهد یافت . چنانچه واقیعت های مینی یک مرز بندی کاملا طبقاتی را بر مبارزه همه طبقات تحلیل کند . این اغتشاش فکری و موضع گیری های اجبارا متناقضه که اکنون در عمل حرکت جریانهایی وابسته به کنفرانس وحدت به چشم می خورد که شده این گرایش انحرافی به یک جریان ارتجاعی بدل خواهد شد . به طور کامل در کنار مرتجعین و در اتحاد با امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا قرار خواهند گرفت . این بروسه ای است که احبارا طی خواهد شد . در این جریان ضرورتا معتقدین به مارکسیسم - لنینیسم و وفاداران صدیق آزادی طبقه کارگر با پالایش تفکر خود راه راستین پرولتری را انتخاب خواهند کرد .

از سوی دیگر حزب بوده برخلاف نیروهای که در کنفرانس وحدت مجتمع شده اند ، طی یک مبارزه ایدئولوژیک سوسال امپریالیسم عمل مبارزاتی خود کاملا افشاده است و صاف آن با یک رشته مرز بندی های اساسی امپریالیسم انقلابی جدا کرده و به یک جریان حاکم اقتصاد امپریالیستی مطیع نیاست و وقت دولت شوروی بدل شده که عمدا لیبرالیتهای مدعی مارکسیسم و دنباله روان جریان های بورژوازی و حردم بورژوازی را در خود جای داده است . نوسانات موجود در حرکت حزب توده ناشی از فرصت طلبی سیاست بازمانده توده های هاشیست که تا آن راه سرخ روز می خورد و با سمن را "با تحریک کمی و

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی امریکا و وابستگی

